

## پیش‌خوان

«امنیت انسانی از دیدگاه امام خمینی» در آیینه یک اثر نو انتشار

## برداشت‌هایی نوین از سیره بنیانگذار جمهوری اسلامی

■ محمدرضا کاتبینی



قربی انسانیت، همواره مترصد از نقای امنیت سرزمینی و آرامش شهروندان هستند. توسعه مطالعات امنیتی در دهه‌های اخیر و تلاش محققان روابط بین‌الملل، منجر به نظریه‌پردازی در حوزه امنیت شد تا جایی که مکاتب مختلف نظری تلاش کردند،وجه مختلف حیات جامعه را در مطالعات امنیتی مورد توجه قرار دهند. در این کتاب تلاش شده تا با رجوع به افکار و اندیشه امام‌خمینی(ره)، خوانشی از امنیت انسانی در گفتمان انقلاب اسلامی ارائه شود و این مسئله برای اولین بار در مراکز تحقیقاتی ایران اتفاق افتاده است. البته در زمینه امنیت از دیدگاه حضرت امام، آثار متنوعی در حوزه کتاب، مقاله و پایان‌نامه منتشر شده است، ولی در این کتاب برای اولین بار، دیدگاه امام در حوزه‌های هفت‌گانه امنیت شهروندان و راهبردهای توانمندسازی آنها تبیین شده است. به عبارتی، برخی از مباحث نظیر امنیت سیاسی، امنیت فرهنگی و برخی مؤلفه‌های امنیت اقتصادی، در آثار پیشین منتشر شده بود، اما در این اثر، مطالب بدیعی در دیدگاه‌های امام استخراج و تبیین شده است. این کتاب دستاوردهایی داشته و از جمله آنها اینکه



■ ۶۰هـ حسینیهمانران

نگرش موسع امام‌خمینی به امنیت رانشان می‌دهد و راهبردهای توانمندسازی فرد و جامعه برای ارتقای امنیت چندانکه را از این منظر تشریح می‌کند، خوانش نوینی از مسئله راهبردی ابعاد امنیتی در نظام‌های سیاسی ارزش‌مدار را از دیدگاه یک رهبر دینی ارائه می‌کند. یک چارچوب‌سازی مفهومی از امنیت موسع در مطالعات امنیتی ایران ارائه کرده و با رجوع به مطالعات امنیتی در گفتمان امینی امام و استنتاج از پژوهش‌های محققان دیگر، مسئله و دغدغه جدیدی را بر اساس اندیشه، افکار و مواضع یک رهبر دینی و سیاسی تبیین کرده‌است که نشان دهنده امکان خوانش و بازخوانی افکار رهبران با توجه به نیازهای جدید افراد و دولت‌هاست…»

مرتضی میرداد از مسئولان و پژوهشگران مرکز اسناد انقلاب اسلامی نیز در این مراسم، در باب نحوه خوانش اندیشه‌های سیاسی واجتماعی امام خمینی در ادوار گوناگون می‌گوید: «منظومه فکری حضرت امام(ره) را می‌توان در چند دوره مورد بررسی قرار داد. دوره اول تا سال ۱۳۳۰، دوره دوم از ۱۳۳۰ تا سال ۳۲، دوره سوم از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰، دوره بعدی از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳، دوره پنجم از ۱۳۴۳ تا پیروزی انقلاب اسلامی و سپس بعد از راشمل می‌شود. به نظر من از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۳۲ دوره‌ای است که شاهد اندیشه‌های تمدنی حضرت امام هستیم. در این دوره همچنین نگاه ضدطاغوتی امام نیز در اندیشه فکری ایشان قابل ملاحظه است. در این دوره، حاکمیت طاغوت بسترهایی را برای معاندین مذهب فراهم کرده بود. به طور کلی منظومه فکری امام را می‌توان در نامه ایشان به سیدعلی محمد وزیریه مشاهده کرد که این نامه متأسفانه کمتر توجه و بررسی قرار گرفته است. در این مکتوب به خوبی روش حکومت‌داری و شیوه اداره حکومت توسط امام را می‌بینیم. در اندیشه امام کسی که صالح نیست، نمی‌تواند حکومت‌داری کند. امام می‌گوید: تا کسی خودسازی نکرده باشد نمی‌تواند حکومت داری کند…»



«جبهه ملی ایران از آبان ۲۸ تا خرداد ۶۰»

ناکامی‌ها و فراز و نشیب‌ها

# ارتداد

# پایان یک تشکل محفلی!

■ **احمدرضا صدری**
روزهای اکنون، تداعی‌گر سالروز تشکیل جبهه ملی اول در واکنش یسه تقلب در اولین دوره از انتخابات مجلس شانزدهم به شمار می‌رود. این مناسبت، فرصتی مغتنم برای بازخوانی کارنامه این تشکل در دوران فعالیت آن، از آبان ۲۸ تا خرداد ۶۰ قلمداد می‌شود. مقال پی آمده سعی دارد تا با بسط پاره‌ای از نکات و اسناد، به این امر مبادرت ورزد. امید آنکه مفید آید.

■ ■ ■

■ **رهبر جبهه ملی، در جایگاه «پدر خوانده»**

جبهه ملی از درون تحصنی به در آمد که دکتر محمد مصدق و همپیمانان او برای اعتراض به تقلب در دور نخست انتخابات مجلس شانزدهم، در برابر کاخ مرمر برپا کردند. آنها پس از مذاکره با شاه، تصمیم به تشکیل این جبهه گرفتند و با تجدید انتخابات، توانستند وارد مجلس شوند و لایحه ملی شدن صنعت نفت را به تصویب خود برسانند. با این همه بسا نویسندگان و تحلیلگران، رفتار سیاسی دکتر مصدق در مقام رهبری این جبهه را عاملی برای از خاصیت افتادن این تشکل قلمداد می‌کنند. نامزای مرکز اسناد انقلاب اسلامی در مقالی پژوهشی، موضوع را

تشریح ساخته است: «در روز ۲۱ آبان ۱۳۲۸، جبهه ملی ایران رسماً موجودیت خود را اعلام کرد. روند تشکیل و انحلال جبهه ملی در تاریخ ایران، یکی از مهم‌ترین مسائل سیاسی عصر حاضر است که تبعات گوناگونی را در مسیر آینده حوادث کشور به دنبال داشت. این جبهه که با اهداف خاصی پدیدار شد، در ادامه مسیر خود منجمل اشتباهاتی گشت که در نهایت خسارت‌های بزرگی را موجب گردید. نویسنده کتاب علل تشکیل و انحلال جبهه ملی ایران در آسیب‌شناسی این تشکل می‌نویسد: رهبری جبهه ملی مرتکب اشتباهاتی شد که در نهایت نتایج زیان‌باری را در پی داشت. مثلاً رفتار مصدق مخصوصاً در روزهای منصل به کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ به گونه‌ای بوده است که اساساً اجرای کودتا را عملی‌تر می‌ساخت تا جایی که محمدرضا پهلوی در کتاب مأموریت برای وطن می‌نویسد: واقعا

به مصدق خوشبین نبودم و سوابق وی را نمی‌دانستم، هیچ دلیلی وجود نداشت که بتوانم ثابت کنم وی مخالف انجام کودتای ۲۸ مرداد بوده است… خلیل ملکی می‌نویسد: فقدان رهبری قاطع و صریح، به آنهایی که نقشه، برنامه و هدف قاطعی داشتند، اجازه می‌داد که از بی‌بندوباری استفاده کنند و به‌رغم تمایلات عمومی مردم، نهضتی را که همه پشتیبان آن بودند، بارها با شکست مواجه کنند. مردم همواره وظیفه خود را انجام می‌دادند و رهبران خود را در مسند حکومت می‌نشاندند، ولی باز هم بی‌بندوباری و بی‌نقشگی وضع را متزلزل می‌کرد. بعضی از نویسندگان نیز در مورد موشی سیاسی دکتر مصدق ایراد گرفته‌اند و معتقدند وی باید از قدرتی که منبعث از مردم بود، با شاه و توطئه‌گران با قدرت و قاطعیت بیشتری برخورد می‌کرد و کار را یکسره می‌نمود. به همین ترتیب نیروهای چپ، روحیه محافظه‌کارانه دکتر مصدق را عامل شکست وی دانسته‌اند و معتقد بودند وی به اندازه کافی انقلابی نبوده است. آنها معتقد بودند که مصدق به غلط تنها اقدام متوسط شهری و روشنفکران را مخاطب قرار داده و توده

# تاریخ



۱۳۲۸: اعضای جبهه ملی اول از راست:مصود، لریمان حسین، مکی، عبدالقدیر آزاد،ابوالحسن خاری زاده، علی‌محمد شایگان و اللهباز آزاد

**جبهه ملی** از درون تحصنی به در آمد که دکتر محمد مصدق و همپیمانان او برای اعتراض به تقلب در دور نخست انتخابات مجلس شانزدهم، در برابر کاخ مرمر برپا کردند. آنها پس از مذاکره با شاه تصمیم به تشکیل این جبهه گرفتند و با تجدید انتخابات، توانستند وارد مجلس شوند و لایحه ملی شدن صنعت نفت را به تصویب خود برسانند. با این همه بسا نویسندگان و تحلیلگران، رفتار سیاسی دکتر مصدق در مقام رهبری این جبهه را عاملی برای از خاصیت افتادن این تشکل قلمداد می‌کنند

ملی در روز ۲۷ مرداد با سفیر وقت امریکا در ایران دیدار کرد و تصمیم گرفت تا در برابر تهدیدهای سفیر، منویات کاخ سفید را اجرا کند. لویی هندرسون در این ملاقات، از رفتار مردم ایران با امریکایی‌ها گله کرد و مصدق را تهدید کرد، چنانچه این وضع ادامه یابد، من از دولت خود خواهم خواست به خاطر منافع ملی کشورم، تمام کسانی را که کار می‌کنند و همچنین کسانی که به وجودشان احتیاجی نیست، به کشور باز خواند. در این هنگام مصدق حالت عذرخواهی به خود می‌گیرد و به سفیر امریکا می‌گوید: جناب آقای سفیر! من از شما می‌خواهم این کار را نکنید، اجازه بدهید رئیس پلیس را بخوام، من ترتیبی خواهم داد که هم‌میهنان شما را کاملاً محافظت کنند.

مصدق همان موقع رئیس پلیس را خواست و دستورات لازم را برای حفاظت از امریکایی‌ها صادر کرد. فرصت‌سوزی مصدق و دیگر اعضای جبهه ملی در آن بزنگاه تاریخی، شکستی سهمگین برای ملت ایران به ارمغان آورد و این شکست، برای همیشه در حافظه تاریخی ایرانیان حک شد. حسین فاطمی یک ماه پس از کودتا، بر همکاران خود در جبهه ملی تاخت و عوافت این شکست را منوجه اقدامات اعضای این جبهه دانست. او نوشت: خودخواهی و غرض‌ورزی و کوته‌بینی چندتن از همکاران اولیه جبهه ملی دکتر مصدق، از بزرگ‌ترین عوامل این خرابی و سقوط بود… این جبهه اگر از دسایس خودی و بیگانه توانسته بود خوشترن را بر کنار نگذرد و همان صفا و صمیمیت روزهای اول تا آخر ادامه پیدا می‌کرد، یک جماعت ۲۰۱۰ نفری با آن پشتیبانی عجیب و بی‌سابقه مردم، می‌توانست یک حکومت نمونه و یک مدل در شرق، شرق دبخت و صمیمت که ۱۵۰ سال اسیر اقویای اروپایی بوده و چون غلام حلقه به گوش فرمانبرداری آنها می‌کرده است به وجود بیاورند. افسوس که این رؤیا تعبیر نشد…»

■ **تشکلی که «ایدئولوژی» نداشت**

جبهه ملی علاوه بر اختلافات و چندپارگی تشکلی نداشتندگان، از ضعف دیگری نیز رنج می‌برد. این تشکل فاقد یک ایدئولوژی مورد وفاق بود و همین امر، مانع از کنترل اعضا وفاداران بدان می‌شد. بدین ترتیب هر فرد از اعضای آن در هر موقعیتی بود، خویش را در جایگاه وفاداری و خدمت به نهضت ملی می‌دید و دیگران را نفی می‌کرد. در مقال ترنمای فوق آمده در این باب آمده است:

«هر سازمان و جریان سیاسی، باید دارای حداقل اصول کلی باشد که نقش ایدئولوژی را برای آن سازمان بازی کند. ایدئولوژی در یک سازمان، ضامن ایمان و تعیین نیروهای وفادار است و به همین دلیل، نباید از مواضع ایدئولوژیکی و اساسی خود عقب‌نشینی کند. در غیر این صورت، نیروهای وفادار دچار شک و ششبه خواهند شد. در صورتی که یک حرکت و جنبش بدون پی‌ریزی مواضع ایدئولوژیک ثابت و دست‌نخورده ممکن است در زمانی اندک بر اثر فعل و انفعالات جامعه‌شناختی، بعضی از الگوهای رفتاری و سیاسی سازمان، نزد نیروهای وفادار تغییراتی را در پی گیرد. در این مرحله سازمان شدیداً دچار بحران خواهد شد و به بن‌بست کشیده می‌شود. ضعف پایه‌های ایدئولوژیک این جبهه، سبب شد در آغاز قانون ۹ ماده‌ای ملی کردن صنعت نفت، به یک ایدئولوژی تبدیل شود و مرحله حساس می‌شد و در نتیجه انشعابات متعدد بودن ترکیب داخلی نهضت، ارائه مطلق هر ایدئولوژی در کوتاه‌مدت نه تنها امکان‌پذیر نبود، بلکه باعث انقباض بیشتر نهضت در آن شد. دکتر مصدق نیز به این امر می‌نویسد: شما کاری را که ما فرصت و توجه نکرده بودیم، یعنی پایه‌ریزی ایدئولوژیک و سازمانی برای مبارزه ملی، انجام دادید… با وجود این سران جبهه ملی در دوران بعد نیز از این موضوع عبرت نگرفته و همان راه گذشته را ادامه دادند! به این ترتیب این جبهه تا پایان وجود

داشت و در تضعیف و نابودی ملی‌گراها نقش مهمی ایفا کرد…»

■ **تکاپوی بی‌فرجام «جبهه» برای بازسازی**

بقایای جبهه ملی پس از ۲۸ مرداد در دهه‌های ۴۰، ۳۰ برای بازسازی این تشکل تلاشی فراوان داشتند. با این همه تأثیر و گسترده جبهه ملی در آغازین سالیان تأسیس آن، هیچ‌گاه تکرار نشد و این حزب تا هم اینک حیاتی محفلی را تجربه می‌کند. در سندی از ساواک مورخه ۱۳۴۰/۶/۳، تلاش جبهه ملی از مردم کرج چنین روایت شده است:

«جبهه‌ملی برای پیشرفت مقاصد خود و تشکیل جبهه‌ملی کرج، ابتدا هفت نفر را پیشقدم کرد تا در کرج فعالیت کنند، ولی آنها نتوانستند کاری انجام دهند. از اینرو تصمیم این جبهه بر این شد که یک نفر از اشخاص معتبر و مسن را پیشقدم سازد و توسط او تشکیلات جبهه ملی کرج، به طور کامل برقرار شود. برای این منظور آقای شاه‌حسینی به کرج آمد و پس از تماس با اعضای جبهه ملی، قرار بر این شد که آقای شیخ حسین لنگرانی که شخص مسنی است و در حصارک کرج باغ و ساختمان دارد، برای همکاری با جبهه ملی دعوت کنند. شیخ حسین لنگرانی دارای سوابق مشکوک است و ساختمان او در حصارک طوری است که هر بیننده را دچار تعجب می‌کند و برای اینگونه فعالیت‌ها جای مناسبی به نظر می‌رسد. در روز جمعه ۱۰/۶/۴۰ بنا به دعوت قبلی که توسط حسین لنگرانی صورت گرفت، اعضای جبهه ملی از یک عده دست‌چپی و یک عده بان ایرانیست و همچنین عده‌ای از مالکین کرج و تعدادی از اعضای جبهه ملی تهران در منزل شیخ حسین در کرج جمع شدند. در این جلسه پس از صحبت پیرامون جبهه ملی، از آقایان مالکین دعوت شد که با جبهه ملی همکاری نمایند…»

■ **انشعاب نهضت آزادی از جبهه ملی**

در آغاز دهه ۴۰، جبهه ملی یکی از سخت‌ترین ضربات دوران حیات خود را دریافت کرد. جناح مذهبی این جبهه که از چهره‌هایی چون: آیت‌الله سیدمحمود طالقانی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سجایی و… تشکیل می‌شد، از آن منفک گشت و به تأسیس نهضت آزادی پرداخت. در باب علل این جدایی، سخن بسیار است. از این میان بسندسده می‌کنیم به مضمون سندی از ساواک، در مورخه: ۱۰/۳/۴۰

«مهندس بازرگان که به اتفاق عده‌ای از دوستان خود تشکیلات جدیدی به نام نهضت آزادی تشکیل داده‌اند، می‌گفت: کسانی که تحت عنوان جبهه ملی فعالیت خود را شروع کرده‌اند، اکثراً کسانی هستند که موضوع جبهه ملی را وسیله اجرای مقاصد شخصی و سیاسی خود قرار داده‌اند و خود دکتر مصدق نیز با آنها نظر مساعدی ندارد. این عده می‌خواهند تحت عنوان جبهه ملی، جنجال آشوبی در تهران ایجاد کرده، از دولت و مقامات مسئول کشور مزایایی به دست آورند و برای پیشرفت مقاصد سیاسی خود، بی‌میل هم نیستند از وجود توده‌ای‌ها استفاده کنند. مهندس بازرگان می‌گفت ما هرگز برنامه‌ای برای تضعیف مقام سلطنت نداریم و با توده‌های هم‌فکر نمی‌خواهیم کرد و می‌خواهیم فقط از آزادی در ایران دفاع کنیم…»

■ **ارتداد: پایان یک تشکل**

اعضای جبهه ملی ایران، در انقلاب اسلامی خود را همراه با امام‌خمینی و مردم نشان می‌دادند، هم از این روی در ترکیب دولت موقت نیز سهمی به خود اختصاص دادند. این همراهی، عمری اندک یافت و نهایتاً ایشان در برابر لایحه قصاب که توسط شهید آیت‌الله دکتر بهشتی در قوه قضائیه مطرح گشت، موضع گرفتند. این مواجهه با موضع قاطع امام‌خمینی مواجهه و موجب اعلام حکم ارتداد ایشان شد. رهبر کبیر انقلاب اسلامی در بخشی از این سخنرانی شدیدالحن، فعالیت‌های جبهه ملی را خطرناک‌تر از اقدامات سلطنت پهلوی خوانده و گفتند:

«در تمام طول مدت رضاشاه و محمدرضاشاه سبب به اسلام در کار نبوده و جبهه ملی سبب اسلام کرده است… ما با اینهایی که اظهار دوستی می‌کنند و تیشه برداشته‌اند و به ریشه اسلام می‌زنند باید چه بکنیم؟ در تمام طول سلطنت رضاشاه و محمدرضا یک همچو جسارتی به قرآن کریم نشد. مسلمان‌ها بداندن که یک راهی الان هست در کار و یک روشی الان هست در کار که به طور ناشی‌گری اینها نقاب را کنار زدند. آنهایی که در این راهپیمایی می‌خواهند شرکت کنند با اظهار این را کردند که شرکت بکنند با این شرکت را تأیید کردند یا مردم را به این شرکت دعوت کردند، اگر بداندن که محتوای این معنا چیست، وای به حال ملتی که ملی‌هایشان این باشد و متدبیینی هم که اظهار تدین می‌کنند، آن باشد و سرانشان هم این… می‌گوید که قصاب، این قانون واضح اسلام، این قانون ضروری اسلام، این قانونی که قرآن به آن تصریح کرده است، این قانونی که مصلحت و امنیت بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی همچنین از نهضت آزادی‌ها خواستند تا موضع خود را در مورد جبهه ملی مشخص کنند. اینشان ضمن مرتد اعلام‌کردن جبهه ملی خطاب به نهضتی‌ها فرمودند: «چنا کنید حساب (خودشان) را از مرتد‌ها. اینها مرتدند. جبهه ملی از امروز محکوم به ارتداد است…»